

قرآن در سیره و سخن امام زمان (ارواحنا فداه)

<"xml encoding="UTF-8?">



طلیعه

در هشتاد و سه سوره از قرآن کریم به اشاره و اجمال، از حرکت عظیم الهی امام مهدی (علیه السلام) پرده برداشته شده است که این اشارات را پیامبر (صلی الله علیه و آله) و معصومان (علیه السلام) در ذیل 270 آیه تفسیر و تبیین کرده اند. و هر یک از سوره های قرآنی از یک تا پانزده آیه و گاهی تمام یک سوره به قیام و انقلاب حضرت مهدی تفسیر شده است مفسران عالی قدر به این روایات در ذیل آیات مربوط اشاره کرده اند.

از یک نگاه می توان گفت که روز ظهور امام مهدی (علیه السلام) روز تأویل قرآن است. محدث بزرگوار علی بن ابراهیم قمی در ذیل آیه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ» (1)؛ «آیا آنها انتظار تأویل آیات دارند؟ آن روز که تأویل آنها فرا رسد»، فرموده: این آیه درباره حضرت قائم (علیه السلام) و روز قیامت است. (2)

امام مهدی (علیه السلام) مصداق بارز قرآن ناطق است که با آمدن وی همه آیات قرآن تفسیر می شود، قرآن بر جهان حکومت می کند، از مهجوریت بیرون می آید، همه مردم به معارف ناب آن به سرعت دست پیدا می کنند و حتی ضعیف ترین افراد جامعه به این موهبت الهی خواهند رسید.

آن حضرت را به حق می توان فرزند قرآن دانست. او با غیر از قرآن انسی ندارد و او است که پیش از ولادت در شکم مادر قرآن می خواند و نیز در حین ولادت و پس از آن، یا به تلاوت قرآن می پرداخت و یا به آن استدلال می کرد. این نوشتار به چند دوره از زندگانی امام مهدی (علیه السلام) و به سیره و سخن او می پردازد.

دوره نخست: پیش از ولادت

اگر چه خواندن قرآن و یا سخن گفتن در جنین مادر امری برخلاف عرف و عادت است، اما این امر در خاندان وحی و نبوت و در بین فرزندان فاطمه و علی بسیار عادی بوده است؛ چرا که در حالات هر یک از معصومان (علیه السلام) آمده است که پیش از ولادت سخن می گفته و یا قرآن می خوانده است؛ از جمله امام مهدی که این چنین بود.

حکیمه دختر امام جواد (علیه السلام) که به دعوت امام حسن عسکری (علیه السلام) شب را در خانه امام بیتوته کرده بود، گوید: وقتی که نیمه شب فرارسید، من و نرجس نماز شب خواندیم، سپس پیش خود گفتم سپیده دم نزدیک شده، اما هنوز حمله از او ظاهر نشده است که حضرت ابومحمد عسکری از درون حجره صدا زد که شتاب مکن. گوید از روی شرمساری به حجره برگشتم که نرجس به استقبال شتافت؛ در حالی که به خود می لرزید. من نیز او را به سینه ام چسباندم و سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را و سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» و آیه الکرسی را بر او خواندم. هر چه را می خواندم، آن جنین نیز که در شکم او بود، همراه من می خواند. (3) در روایت دیگری آمده که امام حسن عسکری به من امر کرد تا بر او «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» را بخوانم. وقتی که خواندم، از درون نرگس شنیدم آنچه را که می خواندم، جنین نیز می خواند و به من سلام می کند. من از این جریان بسیار ترسیده بودم که امام صدا زد: «هرگز از امر پروردگار تعجب نکن؛ چرا که پروردگار در کودکی حکمت را بر زبان ما جاری می سازد و در بزرگی ما را حجت خود در روی زمین قرار می دهد». (4) در همین گفتگو که میان حکیمه دختر امام جواد و امام حسن عسکری (علیه السلام) بود، امام به عمه اش فرمود: «وإن الصبیّ متّا یتکلم فی بطن أمّه و یقرأ القرآن و یعبد ربه عزّوجلّ؛ کودکان ما در شکم مادر خود سخن می گویند و قرآن می خوانند و خدای خود را عبادت می کنند». (5)

دوره دوم: هنگام ولادت

امام مهدی (علیه السلام) به هنگام ولادت علاوه بر اینکه برخی آیات قرآن مجید را می خواند، تمام قرآن کریم بلکه تمام کتاب های آسمانی را نیز تلاوت می کرد. شیخ طوسی به سند خود از حکیمه دختر امام نقل کرده: وقتی که امام مهدی (علیه السلام) به دنیا آمد، امام عسکری (علیه السلام) دستی بر سر مبارک فرزندش کشید و به او فرمود: فرزندم! به قدرت خداوند سخن گوی. پس ولی خدا از شیطان رجیم به او پناه برده چنین گفت: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ...» (6)؛ ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پا برجا سازیم». آن گاه بر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) و بر حضرت علی امیرمؤمنان و بر هر یک از امامان درود فرستاد تا اینکه به پدر بزرگوارش

تلاوت کتب آسمانی

همچنین حکیمه دختر امام جواد (علیه السلام) از ماجرای لحظه ولادت امام مهدی چنین سخن گوید: پس امام حسن عسکری (علیه السلام) صورت و دو دست و دو پای فرزندش را بوسید و آن گاه زبان خویش را در دهان او گذارد؛ همانند پرندگان که غذا در دهان جوجه خود می گذرانند. سپس به او فرمود: بخوان! پس او شروع به خواندن قرآن کرد و از بسم الله الرحمن الرحيم آغاز کرد تا قرآن را به پایان رسانید. (8)

حکیمه می گوید: در هفتمین روز از ولادت امام مهدی بر امام حسن عسکری (علیه السلام) وارد شدم و بر او سلام گفتم و در محضرش نشستم. امام فرمود: فرزندم را بیاور. پس او را آوردم؛ در حالی که لباس های زرد رنگی بر تن داشت. امام عسکری (علیه السلام) همانند روز اول زبانش را در دهان او قرار داد و فرمود: فرزندم! سخن بگو. و سپس فرمود: فرزندم! بخوان، هر آنچه را که خداوند بر پیامبران و رسولانش نازل کرده است. او نیز به زبان سریانی شروع به خواندن صحف آدم (علیه السلام) کرد. همچنین کتاب حضرت ادریس، کتاب حضرت نوح، کتاب حضرت هود، کتاب حضرت صالح، صحف حضرت ابراهیم، تورات حضرت موسی، زبور حضرت داود، انجیل حضرت عیسی و فرقان جدم رسول الله (صلی الله علیه و آله) را تلاوت فرمود. سپس به نقل داستان های پیامبران و مرسلین پرداخت و آنها را یکی پس از دیگری ذکر کرد تا به زمان حضرت امام عسکری (علیه السلام) رساند. (9)

دوره سوم: دوران کودکی

از دو گفتگویی که حضرت امام مهدی (علیه السلام) در زمان پدر و در دوران کودکی خویش داشته، روشن می شود که حضرت ضمن بیان برخی آیات قرآن به پرسش های قرآنی نیز پاسخ داده است. حضرت در گفتگو با سعد بن عبدالله اشعری قمی در بیان مراد خداوند از «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى» (10) می فرماید که یعنی: «ای موسی! محبت اهل خود را از قلبت بیرون کن» و آنگاه به مقصود از کهیصص (11) می پردازد و در آخر به آیه شریفه «وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا...» (12) پرداخته، راه و روش گفتگو را با دشمنان به سعد بن عبدالله می آموزد. (13)

گفتگو با کامل بن ابراهیم مدنی

محمد بن انصاری روایت کرده است: گروهی از مفوضه کامل بن ابراهیم مدنی را نزد امام حسن عسکری (علیه السلام) فرستاند. او می گوید: با خود گفتم: وقتی خدمت آن حضرت رسیدم، درباره حدیثی که از او روایت شده، بپرسم که فرموده است جز کسی که حق مرا نشناسد، وارد بهشت نخواهد شد. وقتی که وارد شدم، کنار دری که پرده ای آن را پوشانده بود، نشستم. در همان حال بادی وزید و گوشه ای از پرده کنار رفت. ناگاه جوانی را چون پاره ماه دیدم که حدود چهار بهار از عمر او می گذشت. به من فرمود: ای کامل بن ابراهیم! من از سخنش برخورد لرزیدم و گفتم: بلی، مولای من ...! سپس فرمود: آمده ای درباره سخن مفوضه بپرسی؟ آنان دروغ گفتند، بلکه دل های ما ظرف های مشیت و اراده خدای عزوجل است. هر گاه بخواهد، ما هم می خواهیم و خداوند در این باره می فرماید: «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ...» (14). امام عسکری به من فرمود: چرا نشسته ای؟ پرسشت را پاسخ داد. به پا خیز، و من برخاستم. (15)

دوره چهارم: دوران غیبت صغرا

غیبت صغرا هفتاد و اندی سال به طول انجامید. در این مدت حضرت امام مهدی (علیه السلام) ملاقات های بسیار محدودی داشت و گاه در پاسخ به سخن برخی مدعیان، یا در بیان علت غیبت و یا در ردّ برخی از افراد و گروه ها و جریانات انحرافی نامه هایی را می نویسد که برخی از آنها را نقل می کنیم.

پاسخ نامه احمد بن اسحاق

طبرسی از سعد بن عبدالله اشعری و او از شیخ صدوق روایت کرده: یکی از یاران ما خدمت احمد بن اسحاق بن سعد اشعری رسید و به وی اطلاع داد که جعفر بن علی نامه ای به او نوشته و خودش را به وی معرفی کرده و بدو اعلان داشته که وی پس از برادرش امام عسکری (علیه السلام) امام است و به حلال و حرام و بر همه علوم و دانش احاطه دارد.

احمد بن اسحاق گوید: وقتی نامه او را خواندم، نامه ای به صاحب الزمان (علیه السلام) نوشتم و نامه جعفر را ضمیمه آن کردم. حضرت چنین پاسخ داد:

«به نام خداوند بخشنده مهربان. نامه ات و نامه ای که همراه آن بود، به من رسید. خداوند تو را حفظ فرماید! بر اختلاف الفاظ و اشتباهات مکرر آن نامه آگاه شدم و اگر شما هم دقت می کردی، به برخی از آن اشتباهات پی می بردی... او با ادعایی که کرده، بر خدا دروغ بسته است. نمی دانم او چگونه می خواهد ادعایش را ثابت کند؛ آیا (ادعای او) به (سبب) آشنایی اش با احکام دین است؟ به خدا سوگند! نه حلال و حرامی می داند و نه خوب و بد را از یکدیگر تمیز می دهد. آیا این کار را با علم و دانش خود انجام می دهد؛ در صورتی که او حق را از باطل و محکم را از متشابه باز نمی شناسد و حدود نماز و وقت آن را نمی داند. آیا همه اینها از سر تقواست؟ خدا گواه است که او چهل روز نماز واجب را ترک کرد. این دعا برای شعبده بازی است. شاید خبر آن به شما برسد که هنوز ظرف های میگساری او برقرار و آثار گناه و معصیت و تمرد او بر خداوند عیان و پابرجاست و شاید می خواهد این کار را با معجزه انجام دهد. اگر راست می گوید، معجزه ای بیاورد و یا با دلیلی آن کار را انجام دهد و اگر راست گو است، آن دلیل را اقامه کند و اگر این امر را با دلیل و برهان انجام می دهد، در این صورت دلیلش را ذکر کند. خدای عزوجل در کتاب خویش می فرماید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حَم تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى...» (16)؛ «هم این کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است. ما آسمان ها و زمین و آنچه را که در میان این دو است، جز به حق و برای وقت معینی نیافریدیم، اما کافران از آنچه انذار می شوند، روی گردان اند. به آنان بگو: این معبودهایی را که غیر از خدا پرستش می کنید، به من نشان دهید. چه چیزی از زمین را آفریده اند یا شرکتی در آفرینش آسمان ها دارند؟ کتابی آسمانی پیش از این یا اثر علمی از گذشتگان برای من بیاورید، اگر راست می گویید! چه کسی گمراه تر است از آن کسی که معبودی غیر خدا را می خواند که تا قیامت هم به او پاسخ نمی گوید و از خواندن آنها بی خبر است. و هنگامی که مردم محشور می شوند، معبودهای آنها دشمنانشان خواهند بود، حتی عبادت آنها را انکار می کنند؟!» (17)

پاسخ اسحاق بن یعقوب

در پاسخ نامه ای که به وسیله عمروی به اسحاق بن یعقوب نوشت، چنین آمده است: «و اما علت غیبت این

است که خداوند عزوجل می گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ» (18)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیز هایی نپرسید که اگر برای شما آشکار گردد، شما را ناراحت می کند.» «هیچ یک از پدرانم نیستند، مگر آنکه بر عهده اش بیعتی از طاغوت زمان خود باشد و هنگامی که من خارج می شوم، هیچ بیعتی از طاغوت ها بر من نخواهد بود.» (19)

فضیلت سوره توحید و قدر

در نامه ای محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری به امام زمان (علیه السلام) می نویسد: در ثواب قرائت قرآن در نماز های فریضه از عالم (علیه السلام) رسیده است که فرمود: تعجب است از کسی که در نمازش، «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» نخواند، چگونه نمازش پذیرفته می شود؟ همچنین روایت شده: هیچ نمازی رشد و نمو نمی کند، در صورتی که در آن «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» خوانده نشود. امام در پاسخ فرمود: مقدار ثواب در سوره ها به همان اندازه ای است که روایت در مورد آن وارد شده است. و اگر سوره ای را که خواندنش ثواب دارد، رها کند و به جایش «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» را به خاطر فضیلتشان بخواند، هم ثواب این دو سوره و هم ثواب سوره ای که ترک کرده، به او داده می شود همچنین جایز است غیر از این دو سوره را بخواند و نمازش هم تمام است، ولی این شخص فضیلت را رها کرده است.

بیزاری از غالیان

در نامه ای که از حضرت امام مهدی (علیه السلام) در رد غالیان و بیزاری از ایده های باطلشان صادر شده، ان حضرت به محمد بن علی بن هلال کرخی چنین نوشته است: «ای محمد بن علی! خدای متعال اجلّ است از آنچه توصیفش می کنند. (بدان که) ما هرگز شریکان خدا در علم و قدرتش نیستیم، بلکه علم غیب را کسی جز او نمی داند؛ همان گونه که در کتاب محکم خود فرموده: «قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ» (20)؛ بگو که در آسمان ها و زمین جز خداوند کسی غیب را نمی داند.» من و تمام پدرانم از گذشتگان همچون حضرت آدم و نوح و ابراهیم و موسی و غیر اینان از انبیا و همچنین از آخرین که رسول خدا و علی بن ابی طالب و غیر اینان از امامان گذشته تا روزهای ظهور و انتهای دورانم، همه ما بندگان خدای هستیم. و او می فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى»*

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا * قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى» (21)؛ هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی سخت و دشواری خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا محسوس می کنیم، می گوید: پروردگارا! چرا نابینا محسوسم کردی، من که بینا بودم؟ می فرماید: آن گونه که آیات ما برای تو آمد و تو آنها را فراموش کردی، امروز نیز تو فراموش خواهی شد.

ای محمد بن علی! افراد نادان و ابلهان و سبک مغزان از شیعه، ما را به خاطر برخی از سخنان آزار داده اند. پس خدا را که جز او نیست و شهادت همو برای ما بس است، شاهد می گیرم و همچنین پیامبر (صلی الله علیه و آله) را و تمام فرشتگان و پیامبران الهی و اولیای او و تو را و هر کس که بر این نام آگاهی یافت، شاهد می گیرم که من از کسی که درباره ما بگوید که (بدون تعلیم الهی) علم غیب می دانیم، به خدا بیزاری می جویم و یا اینکه بگوید ما در ملک و پادشاهی خداوند شریک هستیم و یا اینکه بخواهند برای ما جایگاهی غیر از جایگاهی که خداوند برای ما پسندیده است و برای آن آفریده شده ایم، قرار دهند ...» (22)

رهایی از سرگردانی

شیخ طوسی به سند خود از علی بن ابراهیم رازی نقل کرده: فردی مورد وثوق در مدینه السلام برای من نقل کرد که در پی مشاجره و گفتگوی ابن ابی غانم قزوینی و جماعتی از شیعیان درباره جانشین پس از امام حسن عسکری (علیه السلام) و گفته ابن ابی غانم که امام بدون جانشین از دنیا رفته است، عده ای از همان ها نامه ای نوشتند و آن را به ناحیه فرستادند و امام را از ماجرای گفتگو و مشاجره با خبر ساختند. پس جواب آنها به خط مبارک امام زمان (علیه السلام) چنین آمد:

«بسم الله الرحمن الرحيم. خداوند ما و شما را از گمراهی و فتنه ها سلامت بدارد و به ما و شما روح یقین عنایت بفرماید و ما و شما را از سوء عاقبت پناه دهد! به من خبر رسیده که گروهی از شما در دین و همچنین در مورد والیان امورتان به شک و تردید افتاده اید که این اختلاف ما را به خاطر خود شما اندوهگین کرده است... ای مردم! شما را چه شده است که پیوسته در شک، سرگردانید و در حیرت و سردرگمی، واژگون و وارونه هستید؟ آیا فرمایش خدای عزوجل را نشنیدید که می گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (23)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر خدا و اولوا الامر را اطاعت کنید.

آیا ندانستید آنچه را که نقل شده از حوادث و رویدادها، همه اش درباره امامان گذشته و باقی ماندگان آنهاست؟ آیا ندیدید که چگونه خداوند برای شما دژ و پناه قرار داد تا به سوی آنها پناه ببرید و نیز نشانه هایی را روی زمین قرار داد تا در پرتو همان ها راه را بیابید؟ از زمان حضرت آدم (علیه السلام) تا اینکه ماضی (علیه السلام) (24) ظاهر شد و هر گاه یکی از آن نشانه ها غایب شد، نشانه دیگر ظاهر می گشت و اگر ستاره ای غایب می شد، ستاره دیگر طلوع می کرد. حال که خداوند او را به سوی خود فراخواند، گمان بردید که خدای متعال دین خود را باطل کرده است و یا آن را که بین خود و بندگان قرار داده بود، قطع کرده؟! هرگز چنین نیست و چنین چیزی

نخواهد بود تا قیامت و رستاخیز به پا شود و امر خداوند ظاهر گردد؛ گر چه ناراضی باشند...» (25)

دوره پنجم: در دوران ظهور

اما در دوران ظهور و قیام و انقلاب امام مهدی (علیه السلام) ماجرا به گونه دیگری خواهد بود؛ چرا که یکباره قرآن مجید از غربت و هجران بیرون می آید، آن زمان، وقت حاکمیتش و هنگام اجرای قوانین روح بخش آن و زمان داوری به آن است.

آری، آن دوران وقت ظهور کتابی است که قرن ها مردم از آن فاصله گرفته و طبق هواهای نفسانی خود به تأویل و تفسیر آن پرداخته اند. آن روز زمان نشستن بر سر سفره معارف قرآنی و بهره جستن از حقایق پنهانش می باشد. اینک همراه ما باشید تا در محضر قرآن و در کنار امام زمان به هنگام ظهورش باشیم.

اولین سخن

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: آن زمانی که امام مهدی (علیه السلام) ظهور می کند، به کعبه تکیه می کند؛ در حالی که 313 نفر نزد او جمع شده اند. اولین سخن و گفته اش این آیه است: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (26)؛ «آنچه خداوند برای شما باقی گزارده، برایتان بهتر است، اگر ایمان داشته باشید». سپس می فرماید: «منم بقية الله و من حجت خدا و خلیفه او برشمامیم». پس سلام کننده ای بر او سلام نمی کند، مگر آنکه می گوید: «السلام علیک یا بقية الله فی ارضه، و زمانی که نزد او چهار هزار نفر جمع شوند، از مکه بیرون می رود و در روی زمین معبودی غیر از خدای عزوجل از بت و غیر آن باقی نمی ماند، مگر آنکه آتش در آن می افتد و خواهد سوخت.» (27)

استناد به آیه ای دیگر

جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر (علیه السلام) درباره حوادث روز ظهور امام مهدی (علیه السلام) نقل کرده که ماجرای فرو رفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء در وقتی خواهد بود که حضرت قائم (علیه السلام) در مکه به خانه خدا تکیه کرده و به خانه پروردگار خود پناه برده است. امام (علیه السلام) در آن هنگام فریاد می زند : «ای مردم! ما از خداوند کمک و یاری می طلبیم. پس هر که به ندای ما لبیک گوید، ما اهل بیت پیامبران حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می باشیم و به خدا و پیامبرش نزدیک هستیم.

ای مردم! هر که با من درباره آدم محاجّه و گفتگو کند، من به حضرت آدم نزدیک ترم، و هر که درباره نوح با من محاجّه کند، من از دیگران به حضرت نوح نزدیک ترم، و هر کس با من درباره ابراهیم محاجّه کند، من از هر کس دیگر به ایشان نزدیک ترم، هر کس با من درباره حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) محاجّه کند، من به او از دیگران نزدیک تر هستم و هر کس با من درباره پیامبران گفتگو کند، من از دیگران به همه پیامبران نزدیک ترم. آیا خداوند در کتاب خود نمی فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (28)؛ خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد.

ای مردم! من یادگار آدم و دخیره نوح و برگزیده ابراهیم و حضرت محمد هستم. هان، ای مردم! هر که با من درباره کتاب خدا محاجّه کند، پس من به کتاب خدا از همه نزدیک ترم و هر که با من درباره سنت رسول خدا گفتگو و مناظره کند، پس من به سنت رسول خدا از همه کس نزدیک ترم. خدای را گواه می گیرم، هر که امروز سخن مرا شنید به افراد غایب پیام مرا برساند، شما را به حق خدا و پیامبرش (صلی الله علیه و آله) و به حق من که بر شما حق قرابت با رسول خدا دارم، ما را یاری دهید و از کسی که به ما ستم می کند، جلوگیری کنید؛ چرا که ما را ترسانده اند و به ما ظلم شده است و از شهر و دیارمان طرد شده ایم و از حقان جلوگیری کرده اند. اهل باطل به ما افترا بسته اند. ای مردم! خدا را درباره ما در نظر بگیرید. ما را تنها نگذارید و یاری مان کنید که خداوند شما را یاری خواهد کرد». (29)

مضطرّ حقیقی

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «زمانی که حضرت قائم (علیه السلام) ظهور می کند، داخل مسجد الحرام شده، رو به روی کعبه ایستاده، پشت به مقام حضرت ابراهیم دو رکعت نماز می خواند، سپس از جای برخاسته، می گوید: ای مردم! من از هر کس دیگر به حضرت آدم نزدیک ترم، من به حضرت ابراهیم از دیگران اولی هستم، من به حضرت اسماعیل اولی هستم. ای مردم! من از دیگران به پیامبر (صلی الله علیه و آله) اولی هستم. سپس دو دست خود را به سوی آسمان بالا برده، پروردگار خویش را می خواند و به درگاهش گریه و زاری و التماس می کند تا اینکه با صورت به زمین می خورد. و همین است معنای فرمایش خداوند که فرموده: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذْكُرُونَ» (30)؛ یا کسی دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد و شما را خلفای زمین قرار می دهد. آیا معبودی با خداست؟ کمتر متذکر می

جهاد با تأویل گران قرآن

بخش دیگر سیره قرآنی امام مهدی (علیه السلام) این است که وی به هیچ گونه اجازه نمی دهد تا برخی از دشمنان، قرآن را وسیله و دستاویزی برای جنگ با امام زمان قرار دهند. فضیل بن یسار گوید: از امام جعفر صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام می کند، از جهل و نادانی مردم بیش از آنچه که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مردم دید، می بیند. گوید عرض کردم: چگونه؟ فرمود: پیامبر (صلی الله علیه و آله) وقتی مبعوث شد که آنان سنگ و چوب تراشیده شده را پرستش می کردند. اما زمانی که قائم ما قیام می کند، مردم به سویش می آیند و همه آنها کتاب خدا را در برابر او تأویل می کنند و با آن حضرت به احتجاج و لجاجت می پردازند». (32)

و در روایت دیگری امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «هنگامی که قائم (علیه السلام) ظهور می کند، (گروهی) بر او خروج می کنند و با تأویل کردن قرآن به دفاع از آن می پردازند و با این بهانه با حضرت به جنگ بر می خیزند». (33)

ایجاد فضاهای قرآنی

محمد ابراهیم نعمانی در کتاب الغیبة به چند حدیث اشاره می کند که دلالت بر ایجاد فضاهای قرآنی از سوی امام زمان دارد. بر اساس برخی از این روایات، این مسئولیت به یاران و به شیعیان و در برخی دیگر این به دست ایرانیان سپرده می شود.

حبّه عرنی گوید: امیرمؤمنان فرمود: «گویا می بینم که شیعیان ما در مسجد کوفه چادرهایی برقرار ساخته اند و به مردم قرآن را همان گونه که نازل شده، می آموزند». (34) اصْبَغ بن نباته همین روایت را از امیرمؤمنان درباره عجم نقل کرده است. (35)

بهره مندی زنان از کتاب خدا

مصدق های بارز ایجاد این گونه فضا ها، دستیابی زنان به معارف الهی و استفاده بهتر از کتاب خدا و وحی آسمانی است. حرمان بن اعین گوید: از امام ابوجعفر (محمد باقر) (علیه السلام) شنیدم، می فرمود: «گویا می بینم دین شما پیوسته در خون خود دست و پا می زند و بر نمی گرداند آن را برای شما، مگر مردی از ما اهل بیت (علیه السلام) پس در هر سال دو مرتبه به شما عطا و بخشش خواهد کرد و در هر ماه دو مرتبه حقوق و روزی خواهد داد و در زمان او به حکمت و دانش می رسید؛ به گونه ای که حتی زن در خانه خویش به کتاب خدا و سنت رسول الله به دآوری می پردازد». (36)

همراه داشتن قرآنی که امام علی (علیه السلام) جمع کرد

در تفسیر برهان در ذیل آیه «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ» گفته است: آنان اختلاف کردند، همان طور که این امت اختلاف ورزیدند در آن کتاب که همراه قائم است و برای ایشان می آورد؛ تا اینکه بسیاری از مردم آن را انکار می کنند. پس او جلو ایشان می آید و گردنشان را می زند. (37)

طبرسی در کتاب احتجاج از ابوذر نقل کرده است: چون رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درگذشت، علی (علیه السلام) بنابر وصیت پیامبر قرآن را جمع کرد و نزد مهاجرین و انصار آورد و آن را بر ایشان عرضه داشت. چون ابوبکر آن را گشود و در نخستین صفحه آن فضیحت های آنان بیرون آمد، عمر آن را پرتاب کرد و گفت: یا علی! آن را بازگردان که به آن نیازی نداریم. حضرت آن را گرفت و بازگشت. چون عمر به خلافت رسید، از علی (علیه السلام) درخواست کرد که آن قرآن را به آنها بازگرداند و گفت: یا ابا الحسن! کاش قرآنی را که برای ابوبکر آوردی، اکنون بیاوری تا بر آن گرد آییم. آن جناب فرمود: هیئات، راهی به آن نیست. آن را آوردم تا بر شما حجت تمام شود و روز قیامت نگویند که ما از آن غافل بودیم، یا بگویند آن را برای ما نیاوردی. قرآنی که نزد من است، بر آن دست نمی گذارد مگر پاکیزگان و اوصیایی از فرزندانم. عمر گفت: آیا برای اظهار کردن آن وقت معلوم است؟ امام فرمود: آری، زمانی که قائم فرزندان من قیام کند، آن را آشکار سازد و مردم را بر آن وا می دارد و سنت الهی را جاری می کند». (38)

در اینجا باید توضیح دهم که ممکن است امیرمؤمنان برخی مطالب را از زبان پیامبر به عنوان توضیح و تفسیر برخی آیات نقل کرده بود که خوشایند عمر بن الخطاب نبوده است. لذا قرآن را پرتاب می کند، اما پس از تثبیت خلافت خودش از امیرمؤمنان می خواهد که همان را بیاورد تا بر گرد آن جمع شوند، اما با پاسخ منفی امیرمؤمنان روبه رو می شود.

- 2 . تفسیر قمی، ج 1، ص. 235
- 3 . الخرايخ و الجرايخ، ج 1، ص. 455
- 4 . کمال الدين، ج 2، ص. 426
- 5 . همان.
- 6 . قصص: 5.
- 7 . غيبة شيخ طوسی، ص. 140
- 8 . دلائل الامامة، ص. 268
- 9 . الهداية الكبرى، ص. 70
- 10 . طه/ 12.
- 11 . مريم/ 1.
- 12 . اعراف/ 155.
- 13 . کمال الدين، ج 2، ص. 454
- 14 . انسان/ 30.
- 15 . با خورشيد سامرا، ص. 267
- 16 . احقاف/ 1. 6.
- 17 . احتجاج، ج 2، ص. 468
- 18 . مائده/ 101.
- 19 . اعلام الوری، ص. 423
- 20 . نمل/ 65
- 21 . طه/ 124، 125، 126
- 22 . معادن الحكمه، ج 2، ص. 282
- 23 . نساء/ 59.
- 24 . مقصود امام حسن عسکری (عليه السلام) است.
- 25 . کتاب الغيبة، ص. 172
- 26 . هود/ 86.
- 27 . مستدرک الوسائل، ج 12، ص 335. در متن اصلی جایش مشخص نیست.
- 28 . آل عمران/ 33.
- 29 . کتاب الغيبة، ص. 279
- 30 . نمل/ 62.
- 31 . تأویل الآيات، ج 1، ص. 402
- 32 . کتاب الغيبة، ص. 297
- 33 . همان.
- 34 . همان، ص. 318
- 35 . همان.

36 . کتاب الغیبة، ص.239

37 . تفسیر برهان، ج2، ص.964

38 . ستاره درخشان، ص459، به نقل از احتجاج طبرسی.